

اهلیت شرکت‌های تجاری و رابطه موضوع شرکت با آن در حقوق ایران، مصر و لبنان

فاطمه رجائی

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

f.rajaei@hsu.ac.ir

چکیده

خصوصیات و ویژگی‌های خاص اشخاص حقوقی از جمله شرکت‌های تجاری باعث شده اهلیت این اشخاص از جهات مختلف با اهلیت اشخاص حقیقی متفاوت باشد. تشخیص حدود و گستره اهلیت شرکت‌های تجاری از این نظر حائز اهمیت است که حدود حقوق و تکالیف شرکت و اختیارات ارکان آن (مجامع عمومی، هیأت مدیره) بستگی به اهلیت شرکت دارد. در این زمینه دو دیدگاه در حقوق ایران مطرح شده است؛ برخی این دیدگاه را مطرح کرده‌اند که شرکت باید در حدود موضوع خود فعالیت کند، لذا اهلیت شرکت در چهارچوب موضوع شرکت معنا می‌یابد. به دیگر سخن، در این باره برخی اهلیت شرکت را محدود به موضوع آن می‌کنند، ولی برخی دیگر موضوع شرکت را عامل محدود کننده اهلیت شرکت نمی‌دانند و معتقدند شرکت دارای اهلیت عام است. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی موضوع در حقوق ایران، آن را با حقوق مصر و لبنان نیز تطبیق می‌دهد و در نهایت با توجه به مواد قانون تجارت این کشورها نتیجه می‌گیرد اهلیت اصل و عدم اهلیت چهره استثنایی دارد.

واژگان کلیدی: اهلیت، موضوع شرکت، اعمال مدیران، شخص حقوقی، شرکت‌های تجاری

مقدمه

اهلیت شرکت و به تبع آن موضوع شرکت یکی از ارکان اساسی شرکت است به گونه‌ای که باید در اساسنامه شرکت نیز قید شود. در بسیاری از مواد قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ به موضوع شرکت اشاره شده است؛ از جمله مطابق مواد ۷ بند ۴ و ۸ لایحه، موسسین باید در اظهارنامه و طرح اساسنامه موضوع شرکت را قید کنند و حتی در بند ۲ ماده ۸ لایحه تصریح می‌شود که موسسین در طرح اساسنامه باید موضوع شرکت به طور صریح و منجز را مشخص کنند، در غیر این صورت مرجع ثبت شرکت‌ها از ثبت شرکت خودداری خواهد کرد و حتی نسبت به شرکت‌نامه‌ها هم این سخت‌گیری دیده می‌شود به ویژه آن که طی بخشنامه شماره ۱۹۵۱۳/۹۲ مورخ ۸/۲/۱۳۹۲ ادارت ثبت به دقت موضوع شرکت‌ها را رصد می‌کنند. افزون بر لایحه، موضوع شرکت در برخی از مواد قانون تجارت نیز مورد اشاره قرار گرفته است از جمله مواد ۹۴، ۱۱۶ و ۱۴۱ قانون تجارت.

موضوع شرکت از آن رو دارای اهمیت است که مطابق ظاهر ماده ۱۱۸ لایحه ۱۳۴۷، خروج مدیران از موضوع شرکت علیه ثالث ممکن است قابل استناد باشد. افزون بر این، درج موضوع شرکت در اساسنامه یا شرکت‌نامه، شرکت را موظف به انجام فعالیت در همان چهارچوب خواهد کرد و نباید از این حدود تجاوز کند. لذا با توجه به اهمیت مطلب؛ این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسش هاست. مبنای اهلیت شرکت‌های تجاری در حقوق ایران و مصر و لبنان چیست؟ چه زمانی آغاز و پایان می‌یابد؟ و اصول حاکم بر آن چیست؟ برخی موضوع شرکت را مشخص کننده اهلیت شرکت می‌دانند. بنابراین همداستان با برخی از حقوقدانان ممکن است گفته شود شرکت باید در چهارچوب موضوع گرفتار آمده و باید در راستای «اصل تخصص» یا «اصل اختصاصیت شخص حقوقی» فعالیت کند و اهلیت و صلاحیت شرکت در حوزه موضوع معنا خواهد یافت، در حالی که دیدگاه مقابل

کوشیده

تا

با تمسک به اطلاق ماده ۵۸۸ قانون تجارت موضوع شرکت را موثر در اهلیت شرکت نداند. شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظائفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت بنوت و امثال ذالک». در این باره نیز مقالاتی مانند «اهلیت شرکت های تجاری و حدود اختیارات مدیران شرکت های تجاری» نوشته «محمد رضا پاسبان» و «اهلیت تجاری در حقوق ایران و فرانسه» نوشته «عباس نیازی و سعید جوهر» و پایان نامه با عنوان «اهلیت شرکت های تجاری» نوشته «جواد حسین زاده علی آبادی» موجود است اما در این مقاله به صورت خاص به موضوع اهلیت پرداخته شده است ضمن اینکه با حقوق مصر و لبنان نیز تطبیق داده شده است. نوشتار حاضر ضمن تلاش در نقد و بررسی دو دیدگاه به سراغ رویه قضایی رفته و رویه عملی ادارات ثبت را نیز مدنظر قرار می‌دهد و از آنجا که مطالعه تطبیقی بین نظام‌های حقوقی موجب شناخت بهتر نقاط قوت و ضعف آنها می‌شود و موضوع را با قانون مدنی مصر و لبنان که متأثر از قوانین کشور فرانسه، سوئیس و آلمان و روزآمدتر هستند، تطبیق می‌دهد.

۲- اهلیت و مبنای آن در شرکتهای تجاری

شرکتهای تجاری از مصادیق شخص حقوقی به شمار می‌رود.^۱ شخصیت حقوقی مفهومی است اعتباری و انتزاعی و اعتبار آن بستگی به اراده قانونگذار دارد.^۲ شخص حقوقی نیز مانند شخص حقیقی می‌تواند صاحب حقوق و تکالیف شود مانند تملک دارایی، حق دادخواهی و اقامه دعوی^۳ شخص حقوقی در حقوق مصر و لبنان نیز پس از دارا شدن شخصیت حقوقی می‌تواند اهلیت، اقامتگاه، اسم و تابعیتی جدا از موسسان خود داشته باشد.^۴ شخصیت حقوقی می‌تواند بدهکار یا بستانکار واقع شود، افرادی را استخدام کند که برای او کار کنند.^۵

درباره شخصیت حقوقی شرکتهای تجاری در حقوق ایران، مصر و لبنان نظریات مختلفی وجود دارد.^۶ دو نظریه واقعی یا فرضی بودن شخص حقوقی پرطرفدارتر است.^۷ برخی، با توجه به اهمیت غیر قابل انکار مفهوم شخص حقوقی در زندگی اجتماعی، آن را یک واقعیت به‌شمار آورده‌اند.^۸ بنابراین هر وقت منافع جمعی اقتضاء کند شخص حقوقی به وجود می‌آید حتی اگر قانونگذار درباره آن ساکت باشد. برخی دیگر نیز معتقدند شخص حقوقی فرض و ساخته است. بدون دخالت و تصمیم دولت ایجاد نمی‌شود.^۹ قانونگذار

فایده عملی بحث آن است که بر اساس نظریه واقعی بودن شخص حقوقی، اراده مقنن در تشکیل آن جایگاهی ندارد و شخص حقوقی دارای اهلیت تام است، از این‌رو عدم اهلیت استثنایی است. درحالی که مطابق دیدگاه فرضی، اصل بر عدم اهلیت شخص

حقوقی است و اهلیت چهره استثناء دارد.^{۱۰}

- ۱- محمد عیسائی تفرشی، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، جلد ۱، چاپ اول، تهران دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸، ص ۷۰
- ۲- محسن بهشتیان، حقوق تجارت، چاپ سوم، تهران، طرح نوین اندیشه، ۱۳۸۵، ص ۱۲
- ۳- محمد جواد صفار، شخصیت حقوقی، چاپ اول، تهران، دانا، ۱۳۷۳، ص ۳۵۹
- ۴- ابوزید رضوان، الشركات التجارية فی القانون المصری المقارن، قاهره، دارالفکر عربی، ۱۹۹۳، ص ۱۱۳
- ۵- علی عصام غصن، الشركات المدنیة القانون اللبناني دراسة المقارنة، طبعه الاولى، بیروت، بی نا، ۲۰۱۰، ص ۱۲۸، و عبدالرزاق سهنوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، چاپ دوم، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه، ۱۹۹۸، ص ۱۹۲
- ۶- هیوا ابراهیم الحیدری، شرکة الشخص الواحد ذات المسئولیت المحدوده دراسة المقارنة، طبعه الاولى، بیروت منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۱۰، ص ۲۵۲
- ۷- منوچهر طباطبائی موتمنی، حقوق اداری، بی جا، سمت، ۱۳۷۳، ص ۲۸۰ و عبدالحمید اعظمی زنگنه، حقوق بازرگانی، چاپ سوم بی جا، ۱۳۴۶، ص ۶۶
- ۸- حسین صفایی و مرتضی قاسم زاده، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، چاپ ۱۲، تهران، سمت، ۱۳۸۵، ص ۴۹ و محمد عیسائی تفرشی، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، جلد ۱، چاپ اول، تهران دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸، ص ۷۰
- ۹- حسینقلی کاتبی، حقوق تجارت، چاپ عمتهران، گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶ و ربیعا اسکینی، حقوق تجارت، تهران، سمت، ۱۳۷۵، ص ۳۸
- ۱۰- محمد رضا پاسبان، اهلیت شرکتهای تجاری و حدود اختیارات مدیران شرکتهای تجاری، تحقیقات حقوق، بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره ۵۱، صص ۱۳۰ و ۱۲۹

به نظر می‌رسد مبنای اهلیت شرکتهای تجاری اراده مؤسسان یا شرکا شرکت است لیکن حدود و گستره آن را قانون تعیین می‌کند. دولت چنانکه بر اشخاص حقیقی نظارت دارد بر شخص حقوقی که واقعیت اعتباری دارد، نظارت می‌کند.

نظریه غالب در مصر و لبنان درباره مبنای شخصیت حقوقی وجود واقعی شرکتهای است. در مصر ماده ۵۰۶ قانون مدنی اصل را بر اهلیت قرار داده دلالت دارد^{۱۱} در لبنان نیز شناسایی شخصیت حقوقی برای شرکتی تاسیس شده بدون آن که مرجع ثبت شرکتهای ثبت شده است نشان دهنده پذیرفتن وجود واقعی شخص حقوقی است.^{۱۲}

۳- پیدایش و زوال اهلیت شرکتهای تجاری

تعیین آغاز اهلیت اشخاص حقوقی و بالاخص شرکتهای تجاری، بر اساس آغاز شخصیت حقوقی آنها است.^{۱۳} تعیین نقطه آغاز و پایان از این جهت مهم است که قبل از تحقق شخصیت حقوقی و بعد از پایان آن اهلیتی وجود ندارد. در ماده ۵۰۶ قانون مدنی مصر نقطه آغاز شرکتهای به صراحت ذکر شده است، در حالی که در قانون ایران صراحتی وجود ندارد؛ از این رو برخی از حقوقدانان به محض تشکیل شرکت، آن را دارای شخصیت حقوقی دانسته، ثبت شرکت را فقط به منظور نظارت دولت بر آن می‌دانند^{۱۴} برخی دیگر کامل شدن شرکت را -به علت پیش بینی ضمانت اجرای کیفری در صورت عدم ثبت- در گرو ثبت دانسته‌اند^{۱۵} و بالاخره، گروه سوم زمان ثبت شرکت را آغاز اهلیت آن می‌دانند.

به نظر می‌رسد پیدایش شخصیت حقوقی و به تبع آن اهلیت هر شرکتی تابع قواعد خاص همان شرکتی است که در قانون آمده است؛ زیرا از سویی حق دادخواهی زمانی برای شرکت به وجود می‌آید که ثبت شده باشد و از این منظر، اهلیت شرکت با ثبت به وجود می‌آید می‌شود.

در مصر شخصیت حقوقی شرکتهای از زمانی آغاز می‌شود که به شکل صحیح تشکیل یابد و شکل صحیح شرکت براساس نوع آن متفاوت است.^{۱۶} شرکتهای اشخاص به مجرد اتفاق شرکاء بر مفاد اساسنامه تشکیل می‌یابد. شرکتهای سرمایه پس از اینکه مجمع عمومی مؤسس، هیئت مدیره و بازرسان را انتخاب کرد، تشکیل می‌شود، ولی برای شروع تعهدات، شرکت باید در دفتر ثبت شرکتهای ثبت شود^{۱۷} تشکیل شرکت با مسئولیت محدود نیز فقط با ثبت در مرجع ثبت شرکتهای است.^{۱۸} در لبنان پیدایش شخصیت حقوقی نیازی به ثبت ندارد و با تشکیل شرکت، شخصیت حقوقی نیز به وجود می‌آید. یعنی شرکتهای اشخاص به محض موافقت اعضا بر تاسیس و شرکتهای اموال نیز به محض کامل شدن سرمایه دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.^{۱۹}

۱۱- علی الزینی، اصول القانون التجاريه المصر، بی جا، مطبعه التالیف والترجمه، ۱۹۴۵، ص ۱۶۲

۱۲- هیوا ابراهیم الحیدری، شرکه الشخص الواحدذات المسئولیت المحدوده دراسه المقارنه، طبعه الاولی، بیروت منشورات الحلب الحقوقیه ۲۰۱۰، ص ۲۵۲

۱۳- موسی جوان، مبانی حقوق، جلد ۲، تهران، بی نا، ۱۳۳۶، ص ۹۷

۱۴- محمد علی عبادی، حقوق تجارت، تهران، چاپ دهم، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۳، ص ۱۱۴

۱۵- حسین صفایی و مرتضی قاسم زاده، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، چاپ ۱۲، تهران، سمت، ۱۳۸۵، ص ۱۳۶

۱۶- احمد ابو الروس، موسوعه الشركات التجاریه، الاذیطه اسکندریه، المکتب الجامعی الحدیث، ۲۰۰۸، ص ۴۱

۱۷- و عبدالرزاق سهنوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، چاپ دوم، بیروت، منشورات الحلبی الحقوقیه، ۱۹۹۸، ص ۲۸۸

۱۸- هیوا ابراهیم الحیدری، شرکه الشخص الواحدذات المسئولیت المحدوده دراسه المقارنه، طبعه الاولی، بیروت منشورات الحلب الحقوقیه ۲۰۱۰، ص ۲۵۵

۱۹- سلمان بوذیاب، مبادئ القانون التجاریه، طبعه الاولی، بیروت، موسسه جامعیه للدراسات ونشر والتوزیع، ۲۰۰۳، ص ۳۴

۲۰- همان ص ۲۳۴

اهمیت نقطه پایان اهلیت از آن جهت است که اولا اهلیت شرکت تمام شده، نمی‌تواند دارای حق و تکلیف شود. ثانياً برخی از وظایف مدیران تصفیه از زمان پایان اهلیت شرکت است.^{۲۰} ماده ۶۹ قانون تجارت لبنان و ماده ۵۳۳ قانون مدنی مصر، پایان شخصیت

- ۱۱- علی الزینی، اصول القانون التجاريه المصر، بی جا، مطبعه التالیف والترجمه، ۱۹۴۵، ص ۱۶۲
- ۱۲- هیوا ابراهیم الحیدری، شرکه الشخص الواحدات المسئولیت المحدوده دراسه المقارنه، طبعه الاولی، بیروت منشورات الحلب الحقوقیه ۲۰۱۰، ص ۲۵۲
- ۱۳- موسی جوان، مبانی حقوق، جلد ۲، تهران، بی نا، ۱۳۳۶، ص ۹۷
- ۱۴- محمد علی عبادی، حقوق تجارت، تهران، چاپ دهم، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۳، ص ۱۱۴
- ۱۵- حسین صفایی و مرتضی قاسم زاده، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، چاپ ۱۲، تهران، سمت، ۱۳۸۵، ص ۱۳۶
- ۱۶- احمد ابو الروس، موسوعه الشركات التجاریه، الازبطه اسکندریه، المکتب الجامعی الحدیث، ۲۰۰۸، ص ۴۱
- ۱۷- و عبدالرزاق سهنوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، چاپ دوم، بیروت، منشورات الحلبی الحقوقیه، ۱۹۹۸، ص ۲۸۸
- ۱۸- هیوا ابراهیم الحیدری، شرکه الشخص الواحدات المسئولیت المحدوده دراسه المقارنه، طبعه الاولی، بیروت منشورات الحلب الحقوقیه ۲۰۱۰، ص ۲۵۵
- ۱۹- سلمان بوذیاب، مبادئ القانون التجاریه، طبعه الاولی، بیروت، موسسه جامعیه للدراسات ونشر والتوزیع، ۲۰۰۳، ص ۳۴
- ۲۰- همان ص ۲۳۴

حقوقی شرکتها را انحلال آنها قرار داده است. شرکت بعد از انحلال، فقط در مدت تصفیه، همچنان دارای شخصیت حقوقی است^{۲۱} در خلال تصفیه نیز نمی‌تواند عملیات دیگری انجام دهد^{۲۲} در برخی از موارد شرکت دارای اهلیت کامل نیست ۱- شرکت در حال تشکیل دارای اهلیت و شخصیت حقوقی است، ولی به دلیل عدم ثبت، طبق ماده ۱۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، اهلیت کاملی ندارد. از این رو توانایی انجام اموری که انجام آن منوط به ثبت شرکت است را ندارد^{۲۳} و لبنان^{۲۴}

۲- شرکت در حال تصفیه به موجب ماده ۲۰۸ ق.ت.و ۲۰۸ لایحه ۱۳۴۷ جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند. گستره شخصیت محدود به امور لازم برای تصفیه است.^{۲۵} یا در حدی که شرکت بتواند تعهدات جدید را در حد ضرورت امر تصفیه بر عهده گیرد.^{۲۶} بالاخره دارایی شرکت در حال تصفیه تا پایان تصفیه باقی می‌ماند تا شرکا و طلبکاران آنان حق عینی بر دارایی شرکت پیدا نکنند^{۲۷} ماده ۵۳۳ قانون مدنی مصر و ماده ۶۹ قانون تجارت لبنان شخصیت حقوقی را فقط در مدت تصفیه باقی می‌داند^{۲۸} شرکت برای انجام عملیات دیگر اهلیت ندارد و انجام هر عملی پس از انحلال باعث مسئولیت تضامنی مدیران می‌شود.^{۲۹}

۴- اهلیت استیفا در شرکتهای تجاری

شرکت به جز اموری که بالذات مخصوص انسان است در همه امور دارای اهلیت عام است^{۳۰} اهلیت شرکت براساس حکم قانون تعیین کرده یا اساسنامه یا قرارداد خصوصی محدود می‌شود. به عنوان نمونه شرکت می‌تواند دارای حساب بانکی باشد، هبه یا صلح را قبول کند و حق اقامه دعوی علیه اشخاص ثالث را دارد.

در مصر^{۳۱} و لبنان^{۳۲} نیز مانند ایران درباره اهلیت تمتع شرکتهای مختلفی وجود ندارد. شرکت تجاری مانند شخص حقیقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیف شود و تنها اموری که مخصوص انسان است استثنا شده است^{۳۳} در نتیجه شرکت می‌تواند در محدوده حکم قانون و اساسنامه خرید و فروش کند، قرض کند، اجاره و یا رهن بگیرد. با این همه درباره اهلیت استیفا شرکتهای بین علمای حقوق در ایران، مصر و لبنان اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند شرکتهای فاقد اهلیت استیفا هستند^{۳۴} در مقابل برخی دیگر معتقدند شرکت در موضوعاتی که توسط نمایندگان، و در چارچوب هدف و موضوع شرکت اجرا می‌شود؛ دارای اهلیت

- ۲۱- سلمان بوذیاب، مبادی القانون التجاريه، طبعه الاولى، بیروت، موسسه جامعه للدراسات ونشر والتوزيع، ۲۰۰۳، ص ۲۳۴
- ۲۲- الیاس ناصیف، موسوعه الشركات التجاريه، چاپ دوم، بیروت، منشورات الخلیبی و الحقوقیه، ۲۰۰۴، ص ۲۰۲
- ۲۳- عبدالرزاق سهنوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، چاپ دوم، بیروت، منشورات الحلبی الحقوقیه، ۱۹۹۸، ص ۲۸۸
- ۲۴- علی عصام غصن، الشركات المدنیه القانون اللبناني دراسة المقارنه، طبعه الاثلی، بیروت بی نا، ص ۶۸
- ۲۵- حسن حسنی، حقوق تجارت، چاپ اول، تهران میزان، ۱۳۷۸، ص ۲۵۰ و ربیعا اسکینی، حقوق تجارت، سمت ۱۳۷۵ ص ۱۴۰
- ۲۶- نورالدین صفی نیا، درآمدی بر قانون شرکتهای تجاری در ایران، چاپ اوا تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۶۳
- ۲۷- محمد رضا پاسبان، حقوق شرکتهای تجاری، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۹۰، ص ۳۵
- ۲۸- الیاس ناصیف، موسوعه الشركات التجاريه، چاپ دوم، بیروت، منشورات الخلیبی و الحقوقیه، ۲۰۰۴، ص ۲۰۰
- ۲۹- محمد صالح بک، الشركات المسامهه فی القانون المصری وقانون المقارن، چاپ اول، جامعه فواد الاول، ۱۹۴۹، ص ۳۸
- ۳۰- ماده ۵۸۸ قانون تجارت
- ۳۱- عبدالرزاق سهنوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، چاپ دوم، بیروت، منشورات الحلبی الحقوقیه، ۱۹۹۸، ص ۲۹
- ۳۲- الیاس ناصیف، موسوعه الشركات التجاريه، چاپ دوم، بیروت، منشورات الخلیبی و الحقوقیه، ۲۰۰۴، ص ۲۹۳
- ۳۳- شفیق خلف، تحویل الشركات، الطبعه الاولى، بیروت منشورات الحلبی الحقوقی، ۱۹۹۲، ص ۲۱
- ۳۴- سیدعلی شایگان، حقوق مدنی، قزوین طه، ۱۳۷۵، ص ۵۷، الیاس ناصیف، موسوعه الشركات التجاريه، چاپ دوم بیروت، ۲۰۰۴، ص ۲۹۵

هستند. دلیل عمدهٔ اختلاف نظر، رابطه شرکت با رکن اداره کننده آن است که به این ترتیب ابتدا باید رابطه حقوقی مدیران و ارکان اداره کننده شرکت با شرکت روشن گردد.

۵- اصول حاکم بر اهلیت شرکتهای تجاری

اصول حاکم بر اهلیت شرکتها را که مستنبط از حقوق ایران، مصر و لبنان است بیان می شود.

۵-۱. اصل عارضی بودن اهلیت شرکتهای تجاری

طبق مواد ۹۵۷- ۹۵۸ و ۹۵۹ ق.م. نظر مشهور درباره اهلیت شخص حقیقی، ذاتی بودن آن است. در نتیجه سلب آن غیر ممکن است هرچند برخی آن را جعلی از طرف قانونگذار و عارضی دانسته اند. قانونگذار از وجود اهلیت که امری فطری است خبر می دهد نه این که آن را جعل کند اهلیت شخص حقوقی به طریق اولی عارضی است؛ زیرا موجودی اعتباری است که اهلیت خود را از انسانها گرفته است.^{۳۵} قوانین اهلیت در قانون تجارت از قواعد تکمیلی است^{۳۶}

۵-۲. اصل تخییری بودن قواعد اهلیت شرکتهای تجاری

سلب اهلیت تمتع و استیفا از شخص حقیقی غیر ممکن است. نمی توان مانعی برای اجرای آن، غیر از موارد قانونی قرار داد. اهلیت شخص حقوقی به موجب اساسنامه یا قرارداد مشخص می گردد^{۳۷} هر شرکتی مخیر است از اهلیتی که قانونگذار برای او در نظر گرفته استفاده نماید و برخی از حقوق را به موجب اساسنامه یا قرارداد به صورت جزئی از خود سلب نماید^{۳۸} ولی سلب کلی حق تمتع و استیفا غیر ممکن است. بنابراین اهلیت شرکت یک اصل تخییری است^{۳۹}

۵-۳. اصل استثنایی بودن عدم اهلیت شرکتهای تجاری

اصل بر وجود اهلیت تمتع اشخاص حقیقی است. هرچند موارد استثنایی دارد. همچنین اصل بر اهلیت شخص حقوقی است و عدم اهلیت آن استثنایی است^{۴۰} درباره تعیین اهلیت، حدود قواعد استثنایی عدم اهلیت شرکت و نهایتاً اختیار مدیران، باید به مقررات قانونی اساسنامه شرکت و تخصصی که شرکت با هدف انجام دادن آن تأسیس شده است توجه نمود.^{۴۱}

۶- فقدان اهلیت شرکتهای تجاری

اصل بر اهلیت شرکتهای تجاری است. در ذیل به بیان مواردی که شرکت فاقد اهلیت است می پردازیم.

۶-۱. امور خاص انسان

قسمت اخیر ماده ۵۸۸ ق.ت. مقرر کرده که شخص حقوقی نمی تواند حقوقی داشته باشد که خاص انسان است. حقوق انسانها از یک جهت به حقوق مدنی و سیاسی تقسیم می شود. بدیهی است که شرکتهای تجاری نمی توانند دارای حق سیاسی باشند؛ زیرا این موارد تخصصاً خارج از موضوع شرکتهاست. بدون تردید شرکتهای تجاری از حقوق غیر مالی بی بهره اند زیرا از قلمرو شرکتهای تجاری خارج است. بدیهی است مبادرت شرکت های تجاری به اعمالی که مختص به انسان است از آنجا که خروج از اهلیت

۳۵- علی عصام غصن، الشركات المدنيه القانون اللبناني دراسة المقارنة، طبعه الاثلی، بیروت بی نا، ۲۰۱۰، ص ۶۸

۳۶- محمدجواد صفار، شخصیت حقوقی چاپ او، تهران، دانا، ۱۳۷۳، ص ۳۷۳

۳۷- سلمان بوذیاب، مبادئ القانون التجاري، طبعه الاثلی، بیروت، موسسه جامعهی للدراسات ونشر والتوزیع، ۲۰۰۳، ص ۲۳۵

۳۸- احمد ابو الروس، موسوعه الشركات التجاريه، الازیطه اسکندريه، المكتب الجامعی الحديث، ۲۰۰۸، ص ۴۲

۳۹- ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۲ تهران، بهنشر، ۱۳۷۶، ص ۷

۴۰- علی الزینی، اصول القانون التجاريه المصر، بی جا، مطبعه التالیف و الترجمة، ۱۹۴۵، ص ۱۶۲

۴۱- احمد ابو الروس، موسوعه الشركات التجاريه، الازیطه اسکندريه، المكتب الجامعی الحديث، ۲۰۰۸، ص ۴۲

است، موجب بطلان و بلا اثر بودن عمل مزبور است.^{۴۲} در حقوق مصر و لبنان نیز شرکتها نسبت به امور مختص انسان از جمله حقوق سیاسی و غیر مالی اهلیت ندارند.^{۴۳}

۶-۲. اساسنامه شرکت

اساسنامه مهم‌ترین رکن شرکت است و سندی است که وجود شرکت به آن بستگی دارد. مبین حقوق، تکالیف و اختیارات ارکان (مجمع عمومی، مدیران، بازرسان) شرکت است. در ماده ۸ لایحه اصلاح قانون تجارت، اساسنامه و محتویات آن ذکر شده است.^{۴۴} اگر اساسنامه وجود نداشته باشد در حقیقت شرکتی وجود نگرفته تا درباره اهلیت آن بحثی باشد ضمن اینکه اهلیت طبق اساسنامه شکل می‌گیرد و هر گاه شرکت ورشکسته شود، حتی درباره انجام اموری را که اساسنامه به او اجازه داده بود اهلیت ندارد. شرکت تا حدودی که در اساسنامه شرکت در آن تصریح شده یا قانون اجازه داده واجد اهلیت است. بنابراین اگر اساسنامه شرکت درباره موضوعی سکوت کرده باشد، اصل بر عدم اهلیت شرکت است و شرکت نمی‌تواند به انجام دادن آن مبادرت ورزد مگر اینکه لازمه امور شرکت باشد^{۴۵} اهلیت شرکت طبق نظریه رکن بودن مدیران (وحدت ارکان با شرکت) با اساسنامه محدود می‌شود. طبق بند ۱۶ ماده ۱۸۱.ا.ق.ت در اساسنامه باید حدود وظایف و اختیار مدیران تعیین گردد. همچنین ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت اختیار مدیران را محدود به موضوع شرکت کرده است. به عنوان نمونه اگر در اساسنامه تصریح شود که شرکت حق ندارد معاملاتی بیشتر از سقف معینی انجام دهد، شرکت نسبت به آن معاملات اهلیت ندارد. بنابراین می‌توان گفت اهلیت شرکت به اساسنامه و موضوع مندرج در آن محدود شده است. در حقوق مصر و لبنان نیز اهلیت شرکتها محدود به اساسنامه است.^{۴۶} در بحث موضوع شرکت نظریه جدید عدم محدودیت اهلیت شرکت به موضوع را بررسی می‌کنیم.

۶-۳. موضوع شرکت

موضوع شرکت که شرکت برای انجام آن تشکیل شده است، اشکال متفاوتی دارد^{۴۷} و در اساسنامه یا شرکتنامه معین می‌گردد. موضوع شرکت حین تشکیل شرکت معین می‌شود و باید به طور صریح و منجز در اساسنامه ذکر گردد و تاکید بر آن به این علت است که موضوع شرکت امری قابل انجام باشد و انجام آن غیر قطعی یا منوط به شرایطی نباشد^{۴۸} موضوع شرکت در تعیین اهلیت شرکت و قلمرو اختیار مدیران تاثیر بسیاری دارد.

بین صاحب نظران حقوق تجارت درباره اینکه موضوع شرکت، صرفا تعیین کننده اختیار مدیران است یا این که اهلیت شرکت وابسته به موضوع آن است اختلاف وجود دارد. منشا اختلاف این است که از یک سو، ماده ۵۸۸ ق.ت ناظر به اهلیت شرکت-های تجاری است و قید خاصی را برای واجد اهلیت شدن شرکتها بیان نمی‌کند. از سوی دیگر، ماده ۱۸۱.ا.ق.ت به ظاهر در تعارض با ماده ۵۸۸ ق.ت است. به دیگر سخن، ماده ۵۸۸ اهلیت شرکت را عام دانسته و آن را مقید به موضوع شرکت نکرده است، ولی ماده ۱۱۸ اختیار مدیران به عنوان رکن شرکت، را محدود به موضوع شرکت می‌کند در نتیجه میان مواد ۵۸۸

۴۲- محمدحسین ساکت، شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی چاپ اول، مشهد مولف، ۱۳۷۰، ص ۱۰۵

۴۳- احمد ابو الروس، موسوعه الشركات التجارية، الازیطه اسکندریه، المكتب الجامعی الحدیث، ۲۰۰۸، ص ۴۲

۴۴- اسفندیار دشمن زیاری وحیدرفروغ نژاد وعزیزالله نوروزی، حقوق تجارت (سنتی، مدرنو الکترونیک) تهران موسسه کتاب مهرباننشر، ۱۳۹۰، ص ۴۴

۴۵- منوچهر طباطبائی مومنی، حقوق اداری، بی جا، سمت، ۱۳۷۳، ص ۲۹۴

۴۶- الیاس ناصیف، موسوعه الشركات التجارية، چاپ دوم، بیروت، منشورات الخلی و الحقوقیه، ۲۰۰۴، ص ۲۹۳- احمد ابو الروس، موسوعه الشركات

التجاریه، الازیطه اسکندریه، المكتب الجامعی الحدیث، ۲۰۰۸، ص ۴۸

۴۷- ربیعا اسکینی، حقوق تجارت، تهران، سمت، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵

۴۸- اسفندیار دشمن زیاری وحیدرفروغ نژاد وعزیزالله نوروزی، حقوق تجارت (سنتی، مدرنو الکترونیک) تهران موسسه کتاب مهرباننشر، ۱۳۹۰، ص ۴۴

ق. ت. و ۱۱۸ ل. ا. ق. ت. تعارض به وجود آمده است. در حقوق مصر و لبنان نیز این اختلاف وجود دارد و اکثر علمای حقوق معتقدند

اهلیت

شرکت

- ۴۲- محمدحسین ساکت، شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی چاپ اول، مشهد مولف، ۱۳۷۰، ص ۱۰۵
- ۴۳- احمد ابو الروس، موسوعه الشركات التجارية، الازیطه اسکندریه، المكتب الجامعی الحدیث، ۲۰۰۸، ص ۴۲
- ۴۴- اسفندیار دشمن زیاری و حیدر فروغ نژاد و عزیزالله نوروزی، حقوق تجارت (سنتی، مدرنو الکترونیک) تهران موسسه کتاب مهرباننشر، ۱۳۹۰، ص ۴۴
- ۴۵- منوچهر طباطبائی موتمنی، حقوق اداری، بی جا، سمت، ۱۳۷۳، ص ۲۹۴
- ۴۶- الیاس ناصیف، موسوعه الشركات التجارية، چاپ دوم، بیروت، منشورات الخلی و الحقوقیه، ۲۰۰۴، ص ۲۹۳- احمد ابو الروس، موسوعه الشركات التجارية، الازیطه اسکندریه، المكتب الجامعی الحدیث، ۲۰۰۸، ص ۴۸
- ۴۷- ربیعا اسکینی، حقوق تجارت، تهران، سمت، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵
- ۴۸- اسفندیار دشمن زیاری و حیدر فروغ نژاد و عزیزالله نوروزی، حقوق تجارت (سنتی، مدرنو الکترونیک) تهران موسسه کتاب مهرباننشر، ۱۳۹۰، ص ۴۴

محدود به موضوع و اساسنامه می شود.^{۴۹} در ادامه به بررسی نظریات در این زمینه می پردازیم .

الف- نظریه اول

بسیاری از حقوقدانان، اهلیت شرکت‌های تجاری را محدود به موضوع شرکت دانسته، موضوع شرکت را تعیین کننده اهلیت شرکت و به تبع آن مشخص کننده میزان اختیارات مدیران شرکت می‌دانند.^{۵۰} بنابراین اهلیت شرکتها فقط محدود به هدف و موضوعی است که برای آن تشکیل شده است و شرکت نمی‌تواند دارای حقوق و تکالیفی شود که خارج از موضوع و هدف آن است. برپایه این دیدگاه، شرکت نمی‌تواند فعالیتی خارج از موضوع خود انجام دهد؛ زیرا شرکت تجاری خارج از موضوع خود هویتی ندارد و اعطای شخصیت حقوقی به آن توسط قانونگذار فقط به منظور رسیدن به هدفی است که در اساسنامه مشخص شده است. پس مطابق این نظریه، عام بودن تصرفات شخص حقوقی تا زمانی است که موسسان و شرکا، موضوعی را برای شرکت انتخاب نکرده‌اند و پس از انتخاب موضوع محدود به همان می‌شوند.^{۵۱} بند ۳ ماده ۷.ا.ق.ت و بند ۲ ماده ۸ و بند ۲ ماده ۹ همین قانون تعیین موضوع شرکت را الزامی می‌داند. افزون بر مواد پیش گفته، از مواد ۱۱۴، ۱۶۱ و ۱۸۱ و ۱۸۹.ق.ت. نیز می‌توان استنباط کرد که شرکت بدون موضوع معین تشکیل نمی‌شود و پس از تشکیل نیز فعالیت شرکت محدود به آن است که برخی آن را «اصل تخصص» نامیده‌اند.^{۵۲} این تلقی قانونگذار از موضوع شرکت به طور متناوب در مواد متعدد دیده می‌شود چنانکه طبق ماده ۱۱۸ موضوع شرکت تعیین کننده اهلیت و اختیار شرکت است و مدیران در جایی که خود شرکت اختیاری ندارد هیچگونه اختیاری ندارند و چنانچه مدیران شرکت اعمالی خارج از موضوع شرکت انجام دهند به علت عدم اهلیت باطل است.

همچنین اگر هیئت مدیره یا مدیر عامل سرمایه شرکت را در انجام عملیاتی خارج از موضوع شرکت قرار دهند یا در تصمیمات خود از حدود موضوع شرکت تجاوز کنند اعمال ایشان خارج از اهلیت شرکت است. بنابراین فعالیت شرکت باید مطابق موضوع آن و به تبع اهلیت آن باشد. پس تعیین موضوع شرکت در اهلیت آن تاثیر بسزایی دارد؛ زیرا هر گاه شرکت به فعالیتی غیر از موضوع خود بپردازد از حدود اهلیت خود خارج شده و معاملات وی خارج از اهلیت بوده و شرکت را متعهد نمی‌کند .

مرحوم دکتر علی آبادی در نظریه اعلامی خود که منجر به صدور رای وحدت رویه شماره ۲/۸/۱۳۵۱- ۴۲ شد، ضمن محدود دانستن اختیارات و اهلیت شرکت به موضوع آن و در راستای اصل اختصاصیت در توضیح این اصل می‌گوید: «اصل اختصاصیت در حالی که اشخاص فیزیکی آن طوری که می‌خواهند می‌توانند با رعایت قوانین مربوط آزادانه فعالیت نمایند برعکس شخصیت های حقوقی از این آزادی محروم بوده و برای یک هدف معین ایجاد می‌شوند و باید در همان مسیر گام بردارند. نظارت رعایت اصل اختصاصیت برای اشخاص حقوقی عمومی آسان است؛ زیرا مقامات رسمی که فعالیت آن‌ها را تحت نظارت دارند کوشا هستند که آنان از موضوعی که اجازه فعالیت داده شده انحراف نجویند، ولی نظارت بر احترام به اصل اختصاصیت از طرف اشخاص حقوقی حقوق خصوصی مشکل می‌باشد؛ زیرا فعالیت آنها در موضوعی ممکن است خیلی دامنه‌دار باشد. به علاوه می

۴۹- احمد ابو الروس، موسوعه الشركات التجارية، الاذیطة اسکندریه، المکتب الجامعی الحدیث، ۲۰۰۸، ص ۵۲ - الیاس ناصیف، موسوعه الشركات التجارية، چاپ دوم، بیروت، منشورات الخلیبی و الحقوقیه، ۲۰۰۴، ص ۲۸۳

۵۰- ربیعا اسکینی، حقوق تجارت، تهران، سمت، ۱۳۷۵، ص ۵۳ - حسن ستوده، حقوق تجارت جلد ۱، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸

۵۱- حسن ستوده، حقوق تجارت جلد ۲، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵، ص ۵۴

۵۲- منوچهر طباطبائی مومنی، حقوق اداری، بی جا، سمت، ۱۳۷۳، ص ۲۹۴

۵۳- سید مهدی کمالان، مجموعه آراء وحدت رویه هت عمومی دیوان عالی کشور، تهران ۱۳۸۷، صص ۱۳۷-۱۴۴

توانند مسیر فعالیت خود را تغییر اساسنامه تغییر بدهی است که قانون تغییر فعالیت و اساسنامه را تابع شرایطی کرده و از این راه ممکن است رعایت اصل اختصاصیت تا اندازه‌ای حمایت اجرایی داشته باشد»^{۵۳}

- ۴۹- احمد ابو الروس، موسوعه الشركات التجارية، الازبطه اسکندريه، المكتب الجامعي الحديث، ۲۰۰۸، ص ۵۲ - الیاس ناصيف، موسوعه الشركات التجارية، چاپ دوم، بیروت، منشورات الخلی و الحقوقیه، ۲۰۰۴، ص ۲۸۳
- ۵۰- ربیعا اسکینی، حقوق تجارت، تهران، سمت، ۱۳۷۵، ص ۵۳—حسن ستوده، حقوق تجارت جلد ۱، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸
- ۵۱- حسن ستوده، حقوق تجارت جلد ۲، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵، ص ۵۴
- ۵۲- منوچهر طباطبائی موتمنی، حقوق اداری، بی جا، سمت، ۱۳۷۳، ص ۲۹۴
- ۵۳- سید مهدی کمالان، مجموعه آراء وحدت رویه هتت عمومی دیوان عالی کشور، تهران ۱۳۸۷، صص ۱۳۷-۱۴۴

مهمترین دلایل این دیدگاه عبارت است از ۱- قانون‌گذار در مواد گوناگون قانون تجارت^۱ و غیره^۲ به طور مکرر بر قید موضوع شرکت در اساسنامه و شرکتنامه یا اسناد دیگر شرکت تصریح می‌کند که این تاکید نشانگر آن است که از نظر قانون‌گذار، اهلیت شرکت محدود به موضوع آن است. ۲- با توجه به لفظ «می‌تواند» در ماده ۵۸۸ ق.ت. «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی که بر عهده‌اش گذاشته می‌شود» می‌توان نتیجه گرفت که اشخاص حقوقی برخلاف اشخاص حقیقی دارای کلیه حقوق و تکالیفی هستند که قانون برای آنها قرار داده است. بنابراین شرکت‌های تجاری خارج از آنچه قانون به آنها داده اهلیت و صلاحیت ندارند. ۳- هر شخص حقوقی اعم از حقوق عمومی و خصوصی تابع اصل تخصص است^۳ به این معنا که هر شخص حقوقی و به تبع آن شرکت‌های تجاری فقط می‌تواند در حدودی که قانون مقرر کرده یا در اساسنامه قید شده فعالیت کند و فعالیت‌های خارج از آن باطل و غیر قابل پذیرش است مگر اینکه موضوع شرکت در اساسنامه مطابق مقررات اصلاح گردد. ۴- ماده ۱۸۱ ل.ا.ق.ت فقط بیان‌کننده اختیارات مدیران نیست بلکه درباره اختیارات و اهلیت خود شرکت نیز است. به عبارت دیگر، مطابق این ماده مدیران نمی‌توانند بیشتر از شرکت دارای حق باشند^۴ در نتیجه اگر عملیاتی خارج از موضوع شرکت انجام شود پذیرفته نمی‌شود و این عملیات کاملاً شبیه اعمال مجبورین است^۵ بنابراین اهلیت استیفای شرکت که طبق ماده ۵۸۹ ق.ت. توسط مدیران و مجامع عمومی اعمال می‌شود در حدود موضوع شرکت است و اعمال خارج از موضوع آنها، باطل و بدون اثر است. ۵- سکوت مقنن درحالی که در مقام بیان بوده است نشانه دیگری بر محدودیت اهلیت شرکتها به موضوع است؛ زیرا در ذیل این ماده یک حالت از شمول صدر ماده خارج شده است و آن حالتی است که اختیار مدیران به موجب تصمیم مجمع عمومی محدود شده باشد؛ بدون تردید اگر معاملات خارج از موضوع شرکت نیز حکمی مشابه این مورد داشت در این قسمت ماده نیز به آن تصریح می‌شد. با توجه به این مطلب وقتی اصیل یعنی شرکت، اهلیت نداشته باشد به طریق اولی هیئت مدیره و سایر ارکان شرکت نیز اهلیت ندارند. ۶- ماده ۶۲ قانون برنامه توسعه پنجم، اخذ مجوز را برای فعالیت اشخاص حقیقی و حقوقی در برخی از فعالیتها الزامی دانسته است. بر این اساس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور طی بخشنامه شماره ۱۹۵۱۳/۹۲ مورخ ۸/۲/۱۳۹۲ موضوعات مورد درخواست اشخاص را به سه دسته تقسیم کرده است؛ موضوعاتی که قابل فعالیت و ثبت نیست؛ مانند امور حاکمیتی نظام و برخی امور دیگر مانند خرید و فروش عتیقه؛ موضوعاتی که نیاز به اخذ مجوز از سازمان یا ارگانی ندارند مانند موضوعات ماده ۲ قانون تجارت و بالاخره موضوعاتی که قبل از ثبت می‌بایستی از مرجع مربوطه مجوز اخذ نمایند؛ مانند عمیات بانکی و بانکداری، بیمه و بورس. در نتیجه با توجه به این گونه محدودیت‌های عملی و به ویژه

۱- بند ۲ ماده ۷ و بند ۲ ماده ۹ ل-۱-ت

۲- ماده ۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۵ و ماده ۱ قانون تملیک آپارتمانها مصوب ۱۳۴۳

۳- محمدجواد صفار، شخصیت حقوقی چاپ او، تهران، دانا، ۱۳۷۳، ص ۳۷۳

۴- ربیعا اسکینی، حقوق تجارت، جلد ۲، ۱۳۷۵، ص ۳۰

۵- حسین خزایی، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری، جلد ۱ تهران، ۱۳۸۵، ص ۷۰ - حمید فروغی حقوق شرکت‌های تجاری مختلط و شخصی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۳

۶- حمیدباقرزاده، بررسی تطبیقی اقدامات فراتر از اختیار شرکتها در حقوق ایران و کامن لا. doi:10.22059/jolt.2016.60950.۱۳۹۵ ص ۲۶۸

۷- احمد ابو الروس، موسوعه الشركات التجارية، الازبطه اسکندریه، المکتب الجامعی الحدیث، ۲۰۰۸، ص ۴۲

۸- الیاس ناصیف، موسوعه الشركات التجارية، چاپ دوم، بیروت، منشورات الخلیبی و الحقوقیه، ۲۰۰۴، ص ۲۹۳

۹- همان ص ۲۸۳ -- احمد ابو الروس، موسوعه الشركات التجارية، الازبطه اسکندریه، المکتب الجامعی الحدیث، ۲۰۰۸، ص ۵۲

رویه عملی دادگاه‌ها و مرجع ثبت شرکت‌ها، اهلیت شرکت‌ها محدود به موضوع آن است.^{۵۷} در مصر^{۵۸} و لبنان^{۵۹} نیز اکثر علمای حقوق اهلیت شرکت را محدود به موضوع آن می‌دانند و از آن به «اصل تخصص» نام می‌برند.^{۶۰}

۵۴- محمدجواد صفار، شخصیت حقوقی چاپ او، تهران، دانا، ۱۳۷۳، ص ۳۷۳

۵۵- ربیعا اسکینی، حقوق تجارت، جلد ۲، ۱۳۷۵، ص ۳۰

۵۶- حسین خزایی، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری، جلد ۱ تهران، ۱۳۸۵، ص ۷۰- حمید فروحی حقوق شرکت‌های تجاری مختلط و شخصی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۳

۵۷- حمیدباقرزاده، بررسی تطبیقی اقدامات فراتر از اختیار شرکتها در حقوق ایران و کامن لا. doi:10.22059/jolt.2016.60950.۱۳۹۵ ص ۲۶۸

۵۸- احمد ابو الروس، موسوعه الشركات التجارية، الازبطه اسکندریه، المكتب الجامعی الحدیث، ۲۰۰۸، ص ۴۲

۵۹- الیاس ناصیف، موسوعه الشركات التجارية، چاپ دوم، بیروت، منشورات الخلیبی و الحقوقیه، ۲۰۰۴، ص ۲۹۳

۶۰- همان ص ۲۸۳ -- احمد ابو الروس، موسوعه الشركات التجارية، الازبطه اسکندریه، المكتب الجامعی الحدیث، ۲۰۰۸، ص ۵۲

ب- نظریه دوم

برخی دیگر از حقوق دانان معتقدند اهلیت شرکت مطلق است و محدود به موضوع آن نیست. به نظر ایشان از یک سو ماده ۵۸۸ مطلق است و از سوی دیگر ماده ۱۱۸ یک قاعده اداری و برای تقسیم کار است و محدود کننده اهلیت نیست.^{۶۱} به دیگر سخن، اصل تخصص فقط از حیث صلاحیت مدیران است و موجب نفی اهلیت شرکت نمی‌شود. بنابراین اعمال مغایر با موضوع شرکت مدیران با تصویب سهامداران شرکای شرکت نفوذ حقوقی یافته و صحیح است.^{۶۲}

این گروه باور دارند. ۱- اطلاق ماده ۵۸۸ دلالت بر اهلیت شرکت‌های تجاری به عنوان مصداقی از شخص حقوقی دارد. بنابراین عدم اهلیت ایشان استثنایی است؛ زیرا بررسی محدودیت‌های اهلیت شرکت تجاری نشان می‌دهد اهلیت این اشخاص محدود به چند چیز است. الف- اموری که به صراحت یا به طور تلویحی توسط قانونگذار از آنان سلب شده است و اهلیت تمتع شرکت را محدود می‌کند. زیرا آنچه قانونگذار با قوانین سلب می‌کند جنبه آمره داشته و منطبق با نظم عمومی جامعه است. به عنوان نمونه در تبصره ۱ بندب ماده ۱۳ قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴^۳ به صراحت مشارکت و سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی در شرکت‌های دولتی با موضوع مشابه تجویز شده است: «مشارکت و سرمایه‌گذاری هر شرکت دولتی در سایر شرکت‌های دولتی فقط در صورتی مجاز است که موضوع فعالیت شرکت سرمایه‌پذیر با فعالیت شرکت سرمایه‌گذار مرتبط باشد و دولت جواز آن را صادر کند. این حکم شامل بانکها، مؤسسات اعتباری، بیمه‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری آنها نمی‌شود.» ب- همانطور که گذشت امور مختص به انسان از اهلیت شرکتها خارج است^{۶۳} ج- هر چیزی که انجام آن غیر ممکن باشد مثل انجام خدمت سربازی توسط شرکت a یا هر چیزی که بی‌فایده باشد مثل اخذ رای از شرکت تجاری در انتخابات ریاست جمهوری هر چند که امکان دارد ولی فایده‌ای بر آن مترتب نیست لذا شرکت در این موارد اهلیت ندارد.^{۶۴}

۲- تاکید قانونگذار به ذکر موضوع شرکت برای رعایت مصلحت و منافع شرکت و شرکا بوده و به معنی نفی اهلیت مطلق شرکتها نیست. زیرا اگر شرکت صلاحیت انجام امور خارج از اساسنامه را نداشته باشد نباید قادر به تغییر اساسنامه هم باشد، در حالی که مجمع عمومی فوق العاده می‌تواند موضوع مقرر در اساسنامه را به آسانی، بدون اذن قانونگذار و به دلخواه در هر زمان که بخواهد تغییر دهد یا اینکه اعضای شرکت می‌توانند موضوع شرکت را به گونه‌ای کلی انتخاب کنند که شامل هر نوع معامله یا تجارتی شود. بنابراین با توجه به نحوه بیان این مقررات روشن است که تاکید قانونگذار بر موضوع شرکت حمایت از منافع خصوصی افراد بوده است. ضمن اینکه ممکن است در طول حیات شرکت موضوع آن تغییر کند ولی شخصیت حقوقی آن از بین نرود. بنابراین موضوع شرکت در موجودیت آن اثر زیادی ندارد.^{۶۵} به این ترتیب همچنان که مجمع عمومی فوق العاده می‌تواند قبل از هر گونه اقدام مغایر مدیران، اساسنامه و موضوع شرکت را تغییر دهد می‌تواند اقدامات مغایر مدیران با موضوع شرکت را تنفیذ کند یا درصد تضییق یا توسعه موضوع برآید. پس نمی‌توان این موارد را خارج از اهلیت شرکت دانست.

^۳ - قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم

(۴۴) قانون اساسی مصوب ۸/۱۱/۱۳۸۶

۶۱- منوچهر طباطبائی مومنی، حقوق اداری، بی جا، سمت، ۱۳۷۳، ص ۲۹۷

۶۲- البرز حیدر پور، محدودیت های مدیران شرکتها در انجام معاملات (بررسی تطبیقی در حقوق ایران و تنگلستان) تهران، مهزیار، ۱۳۸۲، ص ۱۵۲

۶۳- کوروش کاویانی حقوق شرکت‌های تجاری، تهران، میزان، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳

۶۴- همان، ص ۱۲۷

۶۵- البرز حیدر پور، محدودیت های مدیران شرکتها در انجام معاملات (بررسی تطبیقی در حقوق ایران و تنگلستان) تهران، مهزیار، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹

۳- اصل تخصص به علت وجود قانون دیوان عدالت اداری و اصل ۵۷ قانون اساسی مخصوص اشخاص حقوقی وابسته به حقوق

- ۶۱- منوچهر طباطبائی موتمنی، حقوق اداری، بی جا، سمت، ۱۳۷۳، ص ۲۹۷
- ۶۲- البرز حیدر پور، محدودیت های مدیران شرکتهای در انجام معاملات (بررسی تطبیقی در حقوق ایران و تنگلستان) تهران، مهزیار، ۱۳۸۲، ص ۱۵۲
- ۶۳- کوروش کاویانی حقوق شرکتهای تجاری، تهران، میزان، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳
- ۶۴- همان، ص ۱۲۷
- ۶۵- البرز حیدر پور، محدودیت های مدیران شرکتهای در انجام معاملات (بررسی تطبیقی در حقوق ایران و تنگلستان) تهران، مهزیار، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹

عمومی است و در تعمیم اصل تخصص به اشخاص حقوقی وابسته به حقوق خصوصی به علت نبود دلیل قانونی و با توجه به عموم و اطلاق ماده ۵۸۸ ق.ت باید تردید کرد.^{۶۶} بنابراین دلیلی که باعث شمول اصل تخصص نسبت به شرکت‌های تجاری شود ارائه نشده است. افزون بر این، قانونگذار در ماده ۵۸۸ در مقام بیان اهلیت اشخاص حقوقی بوده است اما درباره اصل تخصص سکوت اختیار کرده و اصل تخصص را از جمله استثنائات آن نیاورده است. لذا به نظر می‌رسد قانونگذار اصل تخصص را از جمله عوامل محدود کننده اهلیت اشخاص حقوقی ندانسته است.

۴- درباره ماده ۱۱۸ ا.ق.ت می‌توان گفت اولاً: دلالتی بر حدود اهلیت شرکتهای تجاری ندارد حتی اگر منظور قانونگذار هم محدود کننده اهلیت بوده فقط منحصر به شرکتهای سهامی است و شمول آن به انواع شرکتهای دیگر بدون دلیل است.^{۶۷} ثانیاً: محدود کردن اختیار مدیران در این ماده به علت رعایت مصلحت و منافع شرکت و شرکا بوده است نه نفی اهلیت مطلق. به این معنا که شرکت‌ها دارای اهلیت مطلق هستند ولی مدیران حق ندارند معاملات خارج از موضوع شرکت انجام دهند. زیرا شرکت برای رسیدن به منافع معینی تشکیل شده است و نیل به این منافع مستلزم این است که بر اساس هدف و موضوع خود عمل کند و از عملیات غیر تخصصی و خارج از هدفش خودداری کند. ثالثاً: ماده ۱۱۸ که اختیار مدیران را به عنوان رکن شرکت، محدود به موضوع شرکت می‌کند به هیچ وجه در مقام بیان موارد اهلیت و عدم اهلیت شرکت نیست بلکه اهلیت و محدودیت‌های آن را در ماده ۵۸۸ بیان می‌کند. بنابراین نمی‌توان موضوع شرکت را به عنوان عامل محدود کننده اهلیت شرکت مطرح کرد؛ زیرا وقتی نص صریح ماده ۵۸۸ درباره اهلیت شرکت و حدود آن وجود دارد، قائل شدن به اصل تخصص و تفسیر و احراز نظر مقنن درباره اهلیت، اجتهاد در مقابل نص است. رابعاً: ماده ۱۱۸ هر چند قلمرویی است که قانون‌گذار برای فعالیت مدیران قرار داده است ولی نمی‌تواند مبنای اهلیت شرکت باشد. بنابراین می‌توان گفت نظر قانونگذار در این ماده رویکرد جدیدی به اصل تخصص است البته نه به معنایی که اکثر علمای حقوق به آن قائل شده‌اند بلکه به این معنا که محدوده اختیار مدیران را از لحاظ روابط بین مدیران و سهامداران شرکت بیان می‌کند.

۵- اشکال مهم بر محدودیت اهلیت شرکتهای به موضوع شرکت این است که احراز دقیق موضوع دشوار و حتی گاهی در معاملات بین المللی غیر ممکن است لذا به علت ایجاد ثبات و امنیت در روابط اقتصادی باید اهلیت شرکتهای را مطلق دانست. ضمن اینکه یافتن موضوع شرکت بسیار وقت گیر است و با مهمترین اصل از اصول تجارت یعنی اصل سرعت منافات دارد. بنابراین اهلیت شرکت نباید به موضوع آن محدود شود خاصه اینکه نگرانی‌هایی که ممکن است از اعطای چنین اهلیت وسیعی به شرکتهای تجاری متصور باشد از طرق دیگر قابل رفع است.^{۶۸}

اداره حقوقی در نظریه ۱۳۵۲/۴/۲۰ خود با تاثیر پذیری از این نظریه مقرر می‌دارد: «ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت تصریح کرده است که مدیران شرکت در حدود موضوع شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند و اضافه گردیده که محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع عمومی از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث، باطل و کان لم یکن است. تنها استثنایی که نسبت به اختیارات مدیران شرکت ذکر شده موضوعاتی است که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است و چون وام گرفتن شرکت در ضمن صلاحیت خاص مجامع عمومی ذکر نشده است، صلاحیت و اختیار مدیران شرکت در این مورد احراز می‌گردد».

۶۶- محمدجواد صفار، شخصیت حقوقی چاپ او، تهران، دانا، ۱۳۷۳، ص ۳۷۰- حسن ستوده، حقوق تجارت جلد ۲، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵، ص ۶۴

۶۷- علیرضا راشدی اشرفی، حقوق تجارت کاربردی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵، ص ۶۷

۶۸- کوروش کاویانی، حقوق شرکتهای تجاری، تهران، میزان، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳

^۱ - برخی دیگر از حقوق دانان، معاملات خارج از موضوع شرکت را از مصادیق سوء استفاده مدیران از اختیارشان دانسته-
اند(عرفانی، ۱۳۷۳، (۱۴۵) ۲:

۶۶- محمدجواد صفار، شخصیت حقوقی چاپ او، تهران، دانا، ۱۳۷۳، ص ۳۷۰- حسن ستوده، حقوق تجارت جلد ۲، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵، ص ۶۴
۶۷- علیرضا راشدی اشرفی، حقوق تجارت کاربردی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵، ص ۶۷
۶۸- کوروش کاویانی، حقوق شرکتهای تجاری، تهران، میزان، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳

شعبه ۱۹۱ دادگاه عمومی حقوقی تهران در رای شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۶۰۰۱۴۹ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۱ مقرر می‌دارد: «اساساً مطابق ماده ۱۳۵ قانون لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است به عبارتی دیگر چنانچه مدیری خارج از موضوع شرکت یا مصوبات مجمع عمومی مبادرت به انعقاد عقدی نماید و از این رهگذر به شرکت و صاحبان سهام خسارتی وارد شود شرکت و سهامداران می‌توانند مطابق قواعد حاکم بر مسئولیت قراردادی یا اثبات تقصیر مدیر متخلف، جبران خسارت وارده را مطالبه نمایند لیکن شرکت نمی‌تواند در برابر اشخاص ثالث بپرفرض ثبوت تقصیر به تقصیر مدیر متخلف هم استناد نماید ماده ۱۴۲ قانون مذکور نیز مزید بر قوت استنباط دادگاه است.^{۶۹}

ماده ۵۸۸ قانون تجارت با کمی تغییر در لایحه قانون تجارت به شکل زیر تکرار شده است و زمینه طرح دیدگاه‌های پیش گفته را باز می‌گذارد: «ماده ۴۳۲: اشخاص حقوقی دارای کلیه حقوق و تکالیفی هستند که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است مگر حقوق و تکالیفی که تنها انسان، بنا به طبیعت‌اش می‌تواند دارای آنها باشد». بنابراین ماده ۴۳۲ لایحه قانون تجارت طور صریح درباره اهلیت مطلق یا محدود شرکت‌ها نظری نمی‌دهد.

حقوقدانان جدید مصر و لبنان علی‌رغم تصریح قانون بر محدودیت نیز جایگاه خود را یافته است چنانکه برخی از ایشان اهلیت شرکتها را مطلق دانسته است ولی اهمیت موضوع شرکت را به عنوان محدودیتی که مدیران باید در اعمالی که سوی شرکت انجام می‌دهند به ویژه در معاملات به آن توجه کنند در مواد قانون خود بیان کرده‌اند. بنابراین اگرچه موضوع شرکت مبنای اهلیت شرکت فرض نشده اما محدودیتی است که خارج از آن مدیران اختیاری ندارند.^{۷۰} به نظر می‌رسد با توجه به که در این مقاله اهلیت را اصل و عدم آن را استثنا دانستیم نظریه گروه دوم قابل پذیرش باشد.

۷- نتیجه

اهلیت شرکتهای تجاری با شروع شخصیت حقوقی آن آغاز و با از بین رفتن آن پایان می‌پذیرد. منشأ اهلیت اراده مؤسسان، سهامداران و شرکای شرکت است و قانونگذار ضمن شناسایی اهلیت، حدود و گستره آن را تعیین می‌کند. تعیین حدود اهلیت از جهت حائز اهمیت است که صحت و بطلان اعمال مدیران شرکت و مسئولیت آنان در برابر شرکت و اشخاص ثالث بر اساس اهلیت شرکت سنجیده می‌شود. با این همه به دلیل عدم تصریح قانون‌گذار در حقوق ایران این مهم که موضوع شرکت عامل تحدید اهلیت شرکت است یا نه، اختلاف برانگیخته است؛ گروهی با تایید این موضوع که اهلیت شرکت در راستای موضوع و اصل تخصص معنا می‌یابد و اهلیت شرکت باید در راستای هدفی و موضوعی که برای آن تشکیل شده تفسیر گردد، در حالی که گروه بیشتری از حقوقدانان، اصل را اهلیت شرکت انسته و معتقدند موضوع نمی‌تواند محدود کننده اهلیت شرکت باشد. بدین ترتیب گروه دوم برخلاف گروه نخست، اصل را اهلیت شرکت می‌دانند. این دیدگاه در حقوق مصر و لبنان نیز طرفدار دارد. با این همه باید در نظر داشت که رویه قضایی در ایران بخلاف برخی از نویسندگان، دیدگاه مشخصی را تایید نکرده است و مراجع ثبت شرکتها نیز براساس بخشنامه‌های صادره که تاب مقاومت در برابر قوانین مصوب مجلس را ندارد، تمایل به محدود کردن اهلیت شرکتها دارند. بدین ترتیب انتظار می‌رود قانون‌گذار در تصویب لایحه قانون تجارت برای پایان بخشیدن به این موضوع به صراحت تعیین تکلیف کند.

^{۶۹} برای توضیح راهکارها رک حقوق شرکتهای تجاری کاویانی ص ۱۲۳

۶۹- محمد رضا زندی، رویه قضایی دادگاه های عمومی حقوقی تهران در امور تجارت، تهران جنگل جاودانه، ۱۳۹۴، ص ۳۴

۷۰- علی الزینی، اصول القانون التجاريه المصری، جا، مطبعة التالیف والترجمه ۱۹۴۵، ص ۱۶۲

۶- افزون بر این دو نظریه، نظریه دیگری نیز مطرح شده است که معتقد است: «اگر هیات مدیره شرکتی از حکم قانونی مقرر در ماده ۱۱۸ تخلف کرده و معامله‌ای خارج از موضوع شرکت انجام دهد، هرچند معامله مذکور با تصمیم دادگاه قابل ابطال است، اما این بطلان در برابر اشخاص ثالث قابلیت استناد ندارد و در واقع، در برابر آنها معامله انجام شده معتبر است» (صادقی نشاط و شعبانی کندسری، ۵۵) ۱۳۹۵:

۸- منابع

۱. اباذری فومشی، منصور، *قانون تجارت در رویه قضایی*، تهران، خرسندی، ۱۳۸۶.
۲. ابوالروس، احمد، *موسوعه الشركات التجارية*، الازیطه اسکندریه، المكتب الجامعی الحدیث، ۲۰۰۸.
۳. اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت*، تهران، سمت، ۱۳۷۵.
۴. اعظمی زنگنه، عبدالحمید، *حقوق بازرگانی*، به اهتمام سهراب امینیان، چاپ سوم، بی جا، بی نا، ۱۳۴۶.
۵. باقرزاده، حمیدبررسی «تطبیقی اقدامات فراتر از اختیار شرکتها در حقوق ایران و کامن لا» حقوق خصوصی ۲۷۴-۲۵۳: ۱۳(۲)؛ ۱۳۹۵. doi: 10.22059/jolt.2016.60950.
۶. بهشتیان، محسن، *حقوق تجارت*، چاپ سوم، تهران، طرح نوین اندیشه، ۱۳۸۵.
۷. بوذیاب، سلمان، *مبادئ القانون التجاري*، طبعه الاولى، بیروت، الموسسه الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع ۲۰۰۳.
۸. پاسبان، محمد رضا؛ نیک نژاد، جواد، «جایگاه حقوقی مدیران در شرکت‌های سهامی» *تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل* ۹-۴۰: ۴(۱۴)، ۱۳۹۴.
۹. پاسبان، محمدرضا، اهلیت شرکت‌های تجاری و حدود اختیارات مدیران شرکت‌های تجاری، *تحقیقات حقوقی*، بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره ۵۱، صص ۱۶۴-۱۲۷، ۱۳۸۹.
۱۰. پاسبان، محمدرضا، *حقوق شرکتهای تجاری*، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۹۰.
۱۱. جوان، موسی، *مبانی حقوق*، جلد ۲، تهران، بی نا، ۱۳۲۶.
۱۲. حسنی، حسن، *حقوق تجارت*، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۷۸.
۱۳. حیدرپور، البرز، *محدودیت‌های مدیران شرکتهای در انجام معاملات (بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس)*، چاپ اول، تهران، مه‌زیار، ۱۳۸۲.
۱۴. الحیدری، هیوا ابراهیم، *شركة الشخص الواحد ذات المسئولیت المحدوده دراسة المقارنه*، طبعه الاولى، بیروت، منشورات الحلب الحقوقیة، ۲۰۱۰.
۱۵. خزاعی، حسین، *حقوق تجارت شرکتهای تجاری (تطبیق اجمالی با لایحه اصلاحی ۱۳۸۴)*، جلد ۱، تهران، قانون، ۱۳۸۵.
۱۶. خلف، شفیق، *تحويل الشركات*، الطبعه الاولى، بیروت: منشورات الحلبی الحقوقی، ۱۹۹۲.
۱۷. دشمن زیاری، اسفندیار، فروغ نژاد، حیدر؛ نوروزی، عزیز الله، *حقوق تجارت (سنتی، مدرن و الکترونیک)*، تهران، موسسه کتاب مهربان نشر، ۱۳۹۰.
۱۸. راشدی اشرفی، علیرضا، *حقوق تجارت کاربردی*، چاپ اول، تهران، چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۷۵.

۱۹. رضوان، ابو زید، *الشركات التجارية في القانون المصري المقارن*، قاهره، دارالفكر العربی، ۱۹۹۳.
۲۰. زندی، محمدرضا، *رویه قضایی دادگاههای عمومی حقوقی تهران در امور تجارت*، تهران، جنگل جاودانه، ۱۳۹۴.
۲۱. الزینی، علی، *اصول القانون التجاريه المصری*، بی‌جا، مطبعه التألیف والترجمه، ۱۹۴۵.

۲۲. ساکت، محمد حسین، **شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی**، چاپ اول، مشهد، مؤلف، ۱۳۷۰.
۲۳. ستوده، حسن، **حقوق تجارت**، جلد ۱، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵.
۲۴. سنهوری، عبدالرزاق، **الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید**، چاپ دوم، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه، ۱۹۹۸.
۲۵. شایگان، سید علی، **حقوق مدنی**، به کوشش محمدرضا بندرچی، قزوین، طه، ۱۳۷۵.
۲۶. صالح بک، محمد، **شرکات المسامهه فی القانون المصری و القانون المقارن**، چاپ اول، بی‌جا، جامعه فؤاد الأول، ۱۹۴۹.
۲۷. صفار، محمد جواد، **شخصیت حقوقی**، چاپ اول، تهران، دانا، ۱۳۷۳.
۲۸. صفایی، حسین، قاسم‌زاده، مرتضی، **حقوق مدنی، اشخاص و محجورین**، چاپ ۱۲، تهران، سمت، ۱۳۸۵.
۲۹. صفی‌نیا، سید نورالدین، **درآمدی بر قانون شرکتهای تجاری در ایران**، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۳۰. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، **حقوق اداری**، بی‌جا، سمت، ۱۳۷۳.
۳۱. عبادی، محمد علی، **حقوق تجارت**، چاپ دهم، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۳.
۳۲. عرفانی، محمود، **حقوق تجارت**، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳.
۳۳. عصام غصن، علی، **الشرکات المدنیة القانون اللبناني دراسة المقارنہ، طبعه الاولی**، بیروت، بی‌نا، ۲۰۱۰.
۳۴. عیسائی تفرشی، محمد، **مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری**، جلد ۱، چاپ اول، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
۳۵. عیسایی تفرشی، محمد، **مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری**، جلد ۲، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.
۳۶. فروچی، حمید، **حقوق تجارت شرکتهای سرمایه‌ای شخصی و مختلط**، چاپ اول، تهران، روزبهان، ۱۳۷۲.
۳۷. فوزی عطوی، **القانون التجاری**، چاپ اول، بیروت، دار العلوم العربیه، ۱۹۸۶.
۳۸. کاتبی، حسینقلی، **حقوق تجارت**، چاپ ۶، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲.
۳۹. کاتوزیان، ناصر، **قواعد عمومی قرارداد**، جلد ۲، تهران، بهنشر، ۱۳۷۶.
۴۰. کاویانی، کوروش، **حقوق شرکتهای تجاری**، تهران، میزان، ۱۳۸۹.
۴۱. کمالان، سید مهدی، **مجموعه آراء وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور در امور حقوقی**، تهران، انتشارات کمالان، ۱۳۸۷.
۴۲. ناصیف، الیاس، **الکامل قانون فی التجاره**، چاپ اول، بیروت، مویدات للنشر و الطباعة، ۱۹۹۹.
۴۳. ناصیف، الیاس، **موسوعة الشركات التجاریه**، چاپ دوم، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۴.

**The Impact of the Scope of the Commercial Companies on Their Capacity
in Iranian, Egypt and Lebanon Legal Systems (Comparative Study)**

Abstract

The specific characteristics of legal entities, including commercial companies, have made them distinct from natural persons and their capacity is different from natural persons. Determining the scope of a commercial company's is important because it determines the company capacity and scope of the company rights and duties and the powers of its members (general assemblies, board of directors, etc.). There are two views on this issue in the Iranian legal system; some limit the company's capacity to its scope, but others do not consider the scope of the company to be a limiting factor of the company's capacity and believe that the company has a general capacity. This paper firstly study the company's capacity in Iranian regulations and then, compare it with the Egypt and Lebanon regulations, and finally concludes that in these countries, companies have a full capacity and their capacity did not limit to the scope of the company.

Key words: “Ultra Vires”, full capacity, commercial company.